

روایتی روایتی شنیده نشده از سازندگان و بنیان قدیمی‌ترین کاشی‌های حرم مطهر رضوی

ارادتی که خشت خام را زرین فام کرد

مرضیه ترابی! مشهور است که ساخت کاشی‌های سرامیکی در فلات ایران، در هزاره دوم قبل از میلاد، آغاز و به تدریج هنرکاشی‌سازی به‌بخشی‌ازفرهنگ‌ایرانی تبدیل شد و بعدها، در دوره اسلامی، اوج کمال خود را تجربه کرد. پایداری و دوام کاشی نسبت به دیگر شیوه‌های تزئینی مورد استفاده در ساختمان، به‌ویژه نقاشی که در برهه‌هایی از تاریخ ایران دوره اسلامی رونق بسیار زیادی داشت، باعث می‌شد رغبت برای استفاده از کاشی در بناها زیاد باشد و فقط قیمت گزاف و محدود بودن فناوری تولید آن در برخی مناطق، از گستره استفاده این محصول هنری زیبا می‌کاست. شاید یکی از عواملی که باعث شد کاشی به‌عنوان ابزار تزئینی اماکن و سازه‌های مقدس و دینی ایران استفاده شود، همین ارزش فراوان آن بوده باشد. درباره تاریخ شروع استفاده‌از کاشی در تزئینات معماری حرم مطهر رضوی، اطلاعات دقیقی نداریم، اما قدیمی‌ترین کاشی‌های این مکان مقدس، مربوط به اوایل قرن هفتم هجری قمری و اندکی پیش از هجوم مغولان به ایران است. دراین نوشتار می‌خواهیم‌شواهدمربوط به ساخت و نصب قدیمی‌ترین کاشی‌های حرم مطهر امام‌هشتم^(۱) را مرور کنیم.

- ۱۴م ویژه در کاشی‌های «زرین‌فام»

قدر مسلم آن است که مشهد، دست‌کم تادوره تیموری، کارگاه کاشی‌سازی نداشته‌است و کاشی‌های مربوط به قبل از این دوره، در شهرهای دیگر ساخته و به مشهد حمل می‌شدند. کارگاه خاندان ابوطاهر در کاشان، در این دوره، یکی از مراکز مهم تولید کاشی در ایران بود که به احتمال، قدیمی‌ترین کاشی‌های حرم رضوی، یعنی کاشی‌های مشهور به «سنجری»، ساخته وپرداخته کارگاه این خاندان هنرمند کاشانی است، با این حال بررسی این کاشی‌های نفیس که در روضه منوره واطراف ضریح مطهر امام‌رضا^(۲) نصب شده‌اند، ما را به دو نام خاص می‌رساند که ظاهرا نقش مستقیمی در تولید و نصب آن‌ها داشته‌اند – کاشی‌هایی که عملا در دوره خوارزمشاهی تهیه و نصب شد، اما به دلایلی که پیش‌تر در یکی از یادداشت‌های ستون مشهدیات گفتیم، به کاشی‌های سنجری (شاید منسوب به سلطان سنجر سلجوقی) بازرین فام شهرت یافت– این دونام عبارتند از «عبدالعزیزبن آدم» و «زید بن محمد بن ابی زید نقاش». فرد نخست، بانی این کاشی‌ها و فرد دوم، سازنده و نصب‌کننده‌ان‌ها در حرم مطهر رضوی است. متأسفانه درباره چگونگی نصب و حتی زندگی و شخصیت این دو نفر، اطلاع دقیقی نداریم و آنچه در اختیار ماست، به اطلاعات مندرج‌بر روی کاشی‌هاونیز، برخی گزارش‌های پراکنده در متون وتولیدات هنری موجود در مکان‌هایی غیر از حرم مطهر رضوی مربوط می‌شود.

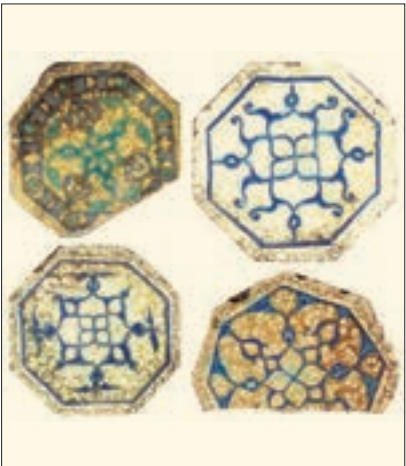
- عبدالعزیز و یادگارهای ارزشمند او

حدود سه دهه قبل ضمن گودبرداری‌های مربوط به طرح توسعه حرم مطهر امام‌رضا^(۳)، قطعه سنگ نفیسی

قرآن بابری

زینبی قرآن بابری باخطی نوشته‌شده که پیش از آن وجود نداشته است و ظهیرالدین محمد بابر، مؤسس سلسله تیموری، در نیمه نخست قرن دهم قمری اختراعش کرده است. درباره خود ظهیرالدین باید گفت که این پادشاه را به‌دانایی و خردمندی می‌شناسند. اودر سال ۹۳۲قمری پس از یک مصاف سی‌ساله، هندوستان را تصرف کرد و مدت پنج‌سال بر آریکه سلطنت و پادشاهی این کشور نشست. وی چند کتاب در طول عمرش نگاشته است. کتاب‌های ثُرک بابری، تاریخ ووقایع دوران سلطنت خود

موزه حرم



به ابعاد ۱۰۰در ۵۱ و قطر پنج سانتی‌متر به‌دست‌آمد که بر روی آن، این جمله به چشم می‌خورد: «أمر به عبدالعزیز بن آدم فی رجب سنه خمس عشر و ستمائه» (دستور به [ساخت این کتیبه داد] عبدالعزیزبن آدم در [ماه] رجب سال ۶۱۵[قمری])». طبق آنچه میثم جلّالی در کتاب ارزشمند «آثار سنگی موزه آستان قدس رضوی» آورده است، این کتیبه بعد از سنگ مشهور «مقام امام‌رضا^(۴)» که برخی، آن را با قدیمی‌ترین سنگ مزارآن حضرت اشتباه می‌گیرند– و مهدی سیدی در مقاله‌ای مفصل، اشتباه بودن این تصور را ثابت کرده است– پرقدمت‌ترین کتیبه سنگی موجود در موزه حرم مطهر رضوی است. با این حال نام عبدالعزیزبن آدم بر روی کاشی‌های حرم امام‌رثوف^(۵) نیز دیده می‌شود، روی یکی از کاشی‌های هشت ضلعی آزاره روضه منوره که بر آن، آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره کهف را هم نوشته بودند. در این کاشی، عبدالعزیز با نام «ولی آل محمد»، خوانده شده‌است که نشان‌دهنده نقش احتمالی وی در تولید حرم رضوی و البته اعتقادات شیعی اوست. به غیر از این کاشی، دو کاشی زرین‌فام دیگر هم در حرم رضوی وجود دارد که به ما اطلاعات بیشتری درباره عبدالعزیزبن آدم می‌دهد. دراین دو کاشی، هشت بیت‌از اشعار عبدالعزیز دیده می‌شود که دیدگاه ما را درباره اعتقادات شیعی او تأیید می‌کند. از این هشت بیت، متأسفانه در چهار بیت، افتادگی‌هایی وجود دارد که مانع خوانش کامل آن می‌شود، اما چهار بیت دیگر– در قالب رباعی– از این قرار است: «ای شهنه شرع و شوهر پاک بتول/ وی بازویی [تو] رونق بازار رسول// در عالم علوی و جهان سفلی/ بی‌خُب‌ولای تو عمل نیست قبول» و «تا دست فلک تخم بدونیک پیکشت/ بر ذات شریف تو ملک بد ننوشت// در

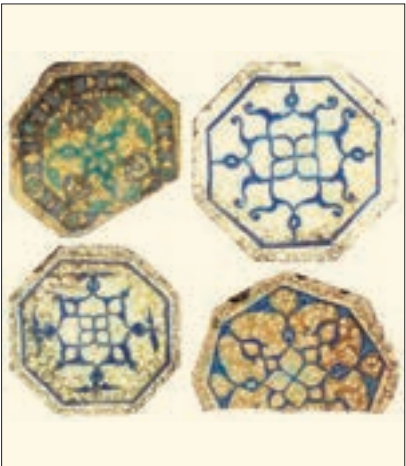
- میراث هنری یک کاشانی نیشابوری!

به غیر از عبدالعزیزبن آدم که باید او را قدیمی‌ترین بانی شناخته‌شده کاشی‌کاری در حرم رضوی بدانیم، «ابی‌زید بن محمد بن ابی‌زید» نیز، در نصب و ساخت قدیمی‌ترین کاشی‌های حرم رضوی نقش داشته است. عیداً... قوچانی در کتاب ارزشمند «احادیث کاشی‌های زرین فام حرم امام‌رضا^(۶)»، ابی‌زید را مشهورترین کاشی‌کار دوران خود می‌داند که آثار هنری وی، امروز در معروف‌ترین موزه‌های دنیا نگهداری

خط این مصحف با هیچ کدام از خطوط آن مطابقت ندارد. استاد گلچین معانی درباره انتساب این قرآن به بابرشاه چنین می‌گوید: «باتوجه به سوابق مذکور و قرائن و امارات موجود از قبیل کاغذ کشمیری و تذهیب هندی و کتابت چهارصد و پنجاه ساله و غرابت خط و دشواری نویسی آن به تشخیص بنده، بدون شک و تردید این قرآن به همان خط اختراعی بابرشاه نوشته‌شده است». دو صفحه اول قرآن بابری به قلم‌ز ن نگاشته‌شده است و هر صفحه دارای هفده خط و اندازه جدول آن ۷/۹ در ۵/۹ سانتی متر است. قرآن بابری دارای ۲۶۵ برگ به قطع ۱۲/۵ در ۹ سانتی متر است که یک جلد مقوایی له‌دار با روکش پارچه‌ای، اوراق آن را دربر گرفته‌است. قرآن مذکور را در سال ۱۱۱۹ هجری قمری، شاه سلطان حسین صفوی وقف آستان قدس رضوی کرد.

و کتاب‌هایی از عروض، کلام و فقه حنفی، جزو یادگارهای فرهنگی است که او از خود به جای گذاشته‌است. او حتی اهل شعر بوده‌است و اشعاری به زبان فارسی و ترکی دارد. طبق گفته‌استاد گلچین معانی، این سلطان برای تفنن، خط دشوار بابری را اختراع کرده و یک قرآن با خط اختراعی خود نگاشته‌است. ماهیت قرآنی این کتاب در ابتدا معلوم نبود، چون با خطی نوشته‌شده بود که هیچ فردی آن را نمی‌شناخت. تصویر یکی دو صفحه نخست کتاب به تهران واروپا و آمریکا و نزد خط‌شناسان فرستاده شد، ولی کسی خط آن را نشناخت. مرحوم دکتر قاسم غنی‌یک‌آیه از انجیل را که به هزار خط رایج و متروک نوشته‌شده و در انگلستان به چاپ رسیده در اختیار او کتابی، رئیس سابق کتابخانه، قرار داد. او هم پس از صرف وقت زیاد به این نتیجه رسید که

چهارشنبه‌های مطلا



می‌شود. گزارش قوچانی، حاکی از آن است که ابوزید هم مانند عبدالعزیز، اهل شعر و شاعری بوده و آثار وی در برخی کاشی‌ها رؤیت‌شدنی است. نام او در کنار نام عبدالعزیز در محراب زرین فام روضه منوره، مشهور به «محراب پیش‌رو» دیده می‌شود. این محراب در ماه ربیع‌الثانی سال ۶۱۲ قمری امهرماه ۵۹۴ خورشیدی و حدود ۸۰۹ سال قبل) ساخته شده و بر روی آن، این عبارت به رشته تحریر درآمده است: «اللهم اغفر لمن استغفر لابی‌زید بن محمد بن ابی‌زید النقاش». با این حال، عیداً... قوچانی اعتقاد دارد که همه کاشی‌های محراب پیش‌رو، کار دست ابی‌زید نیست و باتوجه به شواهد موجود، کاشی‌های محراب در دوره‌های بعد تکمیل شده‌است. قدیمی‌ترین کاشی زرین فام ساخت ابی‌زید، امروز در یک مجموعه خصوصی در شهر تهران نگهداری می‌شود؛ یک بشقاب بسیار زیبا که بر روی آن، عبارت «کتبه ابی‌زید فی سنه ۵۶۸» نقش بسته است و سال‌ها قبل، دکتر مهدی بهرامی در قالب یک مقاله آن را معرفی کرد. اگر قدمت این بشقاب را صحیح بدانیم، احتمالاً ابی‌زید در اواخر عمر و در اوج پختگی هنری به ساخت و البته نصب کاشی‌های زرین فام حرم رضوی پرداخته‌است. طبق گزارش عیداً... قوچانی، ابی‌زید به احتمال زیاد از سادات حسنی و اصالتانیشابوری بوده که در شهر کاشان می‌زیسته و با شاعران و حکمای این شهر، از جمله «باباافضل کاشانی»، شاعر و ادیب آن دوران، مصاحبت داشته‌است. این طبع شاعرانه باعث شد در کاشی‌های ساخت دست ابی‌زید، آثار شاعرانی همچون «ابوالفرج رونی» و «ظهیرالدین فاریابی» به چشم بخورد و حاصل هنر این هنرمند ناشناس اما بزرگ را به گنجینه‌هایی از ادبیات شیرین و اصیل فارسی بیاراید.

شهریار

۴شنبه
۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۲۲۰

۱۵



تاریخ و هویت

یادنامه

نوشتاری در فراق احد قدس، پارچه‌فروش قدیمی خیابان ارگ

یادت مانا آقای یکتا!



عکس: میلاد سمگانی/ شهرآر

رضا سلیمان‌نوری! سراسر خیابان امام خمینی^(۷) یا همان ارگ برای مشهدی‌های اصیل، یادآور خاطره است. گستره تغییرات در این خیابان که هنوز عمرش به صد سال نرسیده، به حدی بوده که اکنون از بسیاری از مکان‌رویدادهای آن فقط ردیابی در خاطرات باقی مانده‌است و نمی‌توان هیچ نشان مرتبتی با آن خاطره– به جز مکانی که اکنون کاربری دیگری دارد– مشاهده کرد. در این بین چند استثنا هم وجود دارد، باغ ملی و خانه ملک، هتل پارس، ساختمان هلال احمر و سرانجام ساختمان پست، مهم‌ترین این استثناات هستند که همه به‌دلیل مدیریت دولتی که دارند، هنوز ردیابی از دورن قدیم را در خود حفظ کرده‌اند؛ البته یک ملک خاص دیگر هم هست که با وجود مالکیت شخصی، هنوز هم بوی خیابان ارگ قدیم را می‌دهد.

این ملک، پارچه‌فروشی یکتا نام دارد که نشی کوچه سینما آسیا و روبه‌روی باغ ملی واقع شده‌است؛ بنایی که از حدود ۷۵ سال پیش که‌اسد قدس آن را افتتاح کرد، تا همین پنجشنبه گذشته که پسرش احد قدس مدیریت آن را برعهده داشت، هیچ تغییر مهم ظاهری پیدا نکرده بود. اشاره کردم تا همین پنجشنبه گذشته، زیرا احد قدس جمعه را به چشم‌ندید و این حافظ هویت خیابان ارگ مشهد، دیگر در این جهان نیست و از جمعه ظهر، در روستای نوحاه طرقيه برای همیشه آرام گرفت و ناگفته‌های بسیاری از گذشته خیابان ارگ مشهد را با خود به آن سرا برد.

احد قدس را تاپیش از تألیف کتاب، «خیابان ارگ مشهد» چندین بار دیده و در ذهنم او را یک پارچه‌فروش پرباهت و کم حرف ترسیم کرده بودم، اما در جریان تألیف این کتاب و پس از همکلام شدن با او متوجه شدم وی به معنای واقعی عاشق است؛ عاشقی که پارچه‌فروشی یکتان‌ان هم با همان حالت نوستالژیک خاصش، عشق او بود و به همین دلیل نه تنها تحصیل در خارج کشور را رها کرده بود تا پس از پدر نگاهبان این گنج باشد، بلکه در سال‌های بعد نیز درحالی‌که شرایط اقامت در خارج را داشت، باز ماندن و حفاظت از این تپه مغازه کهن راسته ارگ را رسالت خود دانسته و در وطن مانده بود.

درست به همین دلیل بود که در طول این سال‌های دراز هیچ تغییری در دکوراسیون داخلی فروشگاه نداده بود تا مخاطبان، هنگام ورود به آن، به دهه ۴۰ و دوران اوج خیابان ارگ باگردند. با زرم به همین علت بود که تغییر رنگ اجباری نمای خارجی گنجینه‌ای که به اندازه ارزنی از آن در کتاب «خیابان ارگ مشهد» ارائه شد، اما به خاطر دارم وقتی از دکتر هادی خانیکی به‌عنوان فردی که خیابان ارگ جزو مهم‌ترین باتوق‌هایش در روزگار حضور در مشهد بوده‌است، خواستم در کنار نوشتن مقدمه کتاب اگر نکته‌ای لازم می‌داند بر متن اضافه کند، او پاسخ داد: «احدا قهر چه لازم بوده، گفته‌است: زیدارمیان هم نسلان وی کسی بهتر از او خیابان ارگ را نمی‌شناسد».

همین امر باعث شد پس از انتشار کتاب ارگ نیز برای موضوعات مختلفی بارها مزاحم احد آقای قدس یا همان‌گونه که اغلب مردم می‌شناختندش، آقایکتا بروم و او هم بدون هیچ دریغی با همان ابهت خاصی که داشت، پاسخگوی سوالات کوچک و بزرگم باشد و مجهولات مختلفی را برابرم حل کند و در پایان هم تا دم در فروشگاه بدرقه‌ام کند و با بیان جمله «خوب باشید» به خدایم بپسارد.

حال با این گذشته ارزشمند، احد قدس نیز مانند بسیاری دیگر از هویت سازان گمنام مشهد، بار سفر بسته و مهمان خدای رحمان و رحیم شده‌است. اما بی‌شک این پایان کار او نیست؛ زیرا دو یادگار سنگین در نزد ما به امانت گذاشته‌است که باید حافظ آن‌ها باشیم. یادگار نخست اودرسی است که تمام کسبه قدیمی و خوش‌نام شهر بر آن تأکید می‌کنند و آن، خلق و خوی نیک در مواجهه با مخاطب است؛ امری که اگر تک‌تک افراد جامعه چه کاسب و چه اداری و چه جوان و چه پیر رعایت کنند، بی‌شک جامعه‌ای بهتر و زیباتر و تا حد بسیاری نزدیک به آنچه آقای یکتا و امثال وی دوستدار آن بوده‌اند، خواهیم داشت و اما یادگار دوم وی، پارچه‌فروشی‌اش است؛ امری که بیش از ۷۵ سال شکل و شمایل خود را حفظ کرده‌است و احد یکتا پس از فوت پدر، آن را همان‌گونه نگاهبانی کرده تا به امروز رسیده‌است. امیدوارم در خانواده قدس، فردی باشد که همچون مرحوم احد قدس دوستدار حفظ هویت شهری باشد و این مغازه را به سبک و سلیق گذشته برای آیندگان حفظ کند و صدالبته اگر چنین فردی در این خانواده نیست، مسئولان فرهنگی شهر کمی همت به خرج دهند و با دست در جیب کردن، این یگانه گوهر باقی‌مانده از خیابان ارگ قدیم شهر را خریداری و به همین صورت برای آیندگان حفظ کنند تا بدین‌گونه روح احد قدس هم در آرامش باشد و آن‌گونه که او آرزو می‌کرد، همگان خوب باشند.

در جریان تظاهرات معلمان در تهران، یک معلم به نام خانعلی به ضرب گلوله کشته شد و یک معلم و دو دانش آموز دیگر مجروح شدند. دلیل این تظاهرات که در میدان بهارستان تهران برگزار شد، بیان چند خواسته ازجمله افزایش حقوق معلمان بود که با درگیری و ضرب و جرح همراه شده بود.



۱۳۸۸ خورشیدی

غلامرضا صدیق غریب، شاعر، نویسنده و معلم معروف مشهدی، درگذشت. از این شاعر، ادیب و معلم، آثاری چون ابشار طلا، برگزیده خاطرات ادبی غلامرضا صدیق غریب در مشهد، تاریخچه انجمن‌های ادبی مشهد (از ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۳)، کتاب سیر تکامل حقوق زن قبل و بعد از اسلام و «خوانیه‌ای از مهدی اخوان ثالث با غلامرضا صدیق» بر جای مانده است.

۱۳۴۰ خورشیدی